

علی باب حکمت

مردی که نه، ابرمردی که تاریخ را به سخره دانایی خویش کشیده است و هر دم از آسمان علم و دانش دری به رویش گشوده می‌شود...

**علی باب حکمت**

مردی که نه، ابرمردی که تاریخ را به سخره دانایی خویش کشیده است و هر دم از آسمان علم و دانش دری به رویش گشوده می‌شود

فراتر از تمام درک‌ها و داشته‌های بشری دارای حکمتی است ناشناخته و آن چنان این حکمت در دل و جان او نفوذ کرده است که هر ورد زبانش نام الله است و در هر نفسی که می‌کشد بوی بهشت در فضای دانش می‌پیچد و این گونه حکمت علی(ع) حکمتی است فراتر از تمام داشته‌های بشری و او دروازه دانشی است که خداوند برای پیامبر گشوده است و این سرمایه‌ای است بزرگ.

در مورد علم امام و پیغمبر(ص) عقاید مردم مختلف است، گروهی معتقدند که علم آنان محدود بوده و در اطراف مسائل شرعی دور می‌زند و جز خدا کسی از امور غیبی آگاه نمی‌باشد؛ زیرا آیاتی در قرآن وجود دارد که مؤید این مطلب است من جمله خداوند می‌فرماید:

(کلیدهای خزائن غیب نزد خداست و جز او کسی بدانها آگاه نیست) و همچنین می‌فرماید: (و خداوند شما را بر غیب آگاه نسازد) در برابر این گروه جمعی نیز آنها را بر همه امور اعم از تکوینی و تشریحی آگاه دانند و عده‌ای هم که مانند اهل سنت به عصمت امام قائل نمی‌باشند .

دروازه دانش

به مفاد آیات گذشته، رسول اکرم(ص) که سر حلقه سلسله عالم امکان و به ساحت قرب حق از همه نزدیکتر است، مسلماً علم بیشتری از جانب خداوند به او افاضه شده و برابر نص صریح قرآن کریم که می‌فرماید «علم آن حضرت بر رمز وجود و اسرار کائنات بیش از هر کسی بوده است» و علم علی(ع) هم که مورد بحث ماست، مقتبس از علوم و حکم آنجناب است، زیرا علی(ع) دروازه علم پیامبر(ص) بود، و برابر نقل مورخین و اهل سیر از عامه و خاصه نبی‌اکرم فرموده است:

انا مدینه العلم و علی بابها فمن اراد العلم فلیأت الباب.

همچنین نقل کرده‌اند که فرمود: انا دار الحکمه و علی بابها خود حضرت امیر(ع) فرمود: لقد علمنی رسول الله صلی الله علیه و آله الف باب کل باب یفتح الف باب . یعنی رسول خدا مرا هزار باب از علم یاد داد که هر بابی هزار باب دیگر باز می‌کند. شیخ سلیمان بلخی در کتاب ینابیع الموده می‌نویسد که علی(ع) فرمود: سلونی عن اسرار الغیوب فانی وارث علوم الانبیاء و المرسلین. «درباره اسرار غیب‌ها از من بپرسید که من وارث علوم انبیاء و مرسلین هستم» و باز نوشته‌اند که پیغمبر(ص) فرمود علم و حکمت به ده جزء تقسیم شده، نه جزء آن به علی اعطاء گردیده و یک جزء به بقیه مردم و علی در آن یک جزء هم اعلم مردم است .

فرمایش امیر درباره حکمت خود

علی(ع) صریحاً فرمود: سلونی قبل ان تفقدونی. بپرسید از من پیش از آنکه از میان شما بروم! و از این جمله کوتاه میزان علم آنجناب روشن می‌شود؛ زیرا موضوع علم را قید نکرده و دائره سؤالات را محدود ننموده است

بلکه مردم را در سؤال از هر نوع مشکلات علمی آزاد گذشته است و این سخن دلیل احاطه آنحضرت بر رموز آفرینش و اسرار خلقت است و چنین ادعایی به غیر از وی از کسی دیده و شنیده نشده است چنانکه ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه گوید همه مردم اجماع کردند بر اینکه احدی از صحابه و علماء نگفته سلونی قبل ان تفقدونی مگر علی بن ابی‌طالب.

علی(ع) با آن همه علم و دانش در میان اشخاص جاهل و نادان افتاده بود و مردم جز تنی چند از خواص اصحابش از علم او بهره‌مند نمی‌شدند و مصداق سخن سعدی که گوید:عالم اندر میانه جهال مثلی گفته‌اند صدیقان شاهی در میان کوران است مصحفی در سرای زندیقان علی(ع) همیشه آرزومند بود که صاحب کمالی پیدا کند تا از مشکلات علوم و اسرار آفرینش با او بازگو کند و اشاره به سینه خود کرده و می‌فرمود: ان ههنا لعلمنا جما، در سینه من دریای خروشان علم در تموج است

ولی افسوس که کسی استعداد فهم آنرا ندارد. قوانین کلی طبیعی و اصول مسلمه‌ای که مورد تحقیق دانشمندان اروپا قرار گرفته است در سخنان و خطبه‌های علی(ع) کاملاً هویدا است و خطبه‌های آنحضرت مشحون از حقائق فلسفی و معارف اسلامی است که دانشمندان و فلاسفه بزرگ مانند صدر المتألهین و غیره استفاده‌های شایانی از آنها نموده‌اند.

خلفای ثلاثه که مدت 25 سال مسند خلافت را اشغال کرده بودند در رفع مشکلات علمی و قضایی از آنجناب استمداد

می‌کردند. در زمان خلافت آن حضرت دو فیلسوف یونانی و یهودی به خدمت ایشان مشرف شدند و پس از اندکی گفت‌وگو از خدمتش مرخص گردیدند، فیلسوف یونانی گفت: فلسفه را از سقراط و ارسطو بهتر می‌داند، حکیم یهودی گفت: به تمام جهات فلسفه احاطه دارد.

تبحر در ادبیات عرب

علی(ع) در ادبیات عرب کمال تبحر و مهارت را داشت و قواعد علوم عربیه را او دستور تنظیم داد و علم نحو را بوجود آورد، در مسائل غامضه و مشکله جواب فوری می‌داد و معانی بزرگ و عالیه حکمت را در قالب کلمات کوتاه بیان می‌نمود هرگونه سؤالی را درباره علوم مختلفه اعم از ریاضی و طبیعی و دیگر علوم بدون تأمل و اندیشه پاسخ می‌گفت و هرگز راه خطا نمی‌پیمود، کسی از حضرتش کوچکترین مضرب مشترک اعداد را از يك تا ده سؤال کرد، فوراً فرمود: اضرب ایام اسبوعك فی ایام سنتك. یعنی شماره روزهای هفته(7) را در روزهای سال (360) ضرب کن که عدد منظور (2520) بدست خواهد آمد که از يك تا ده بدون کسر به آنها قابل تقسیم است.

سرعت ادراک و انتقال، و تیز هوشی آنجناب بقدری بود که همه را متحیر و متعجب می‌ساخت چنانکه عمر گفت: یا علی تعجب من از اینکه تو بر تمام مسائل علمی و قضایی و فقهی احاطه داری نیست

بلکه تعجب من از اینست که تو هرگونه سؤال مشکلی را در هر موردی که باشد بلافاصله و فوری و بدون اندیشه و تأمل جواب می‌دهی! حضرت فرمود: ای عمر این دست من چند انگشت دارد؟ عرض کرد: پنج انگشت.

فرمود: پس چرا تو در پاسخ این سؤال اندیشه نکردی؟ عرض کرد: این واضح و معلوم است احتیاجی به اندیشه ندارد، علی(ع) فرمود: کلیه مسائل در نظر من مانند پنج انگشت دست در نظر توست! علی(ع) در اسرار هستی و نظام طبیعت حکیمانه نظر می‌کرد و سخنانی در توحید و الهیات و کیفیت عالم نامریی به یادگار گذاشته است که در نهج البلاغه و سایر آثار او مندرج است.

ناصرپازوکی

استاد اندیشه‌های سیاسی در اسلام

همشهری جمعه